

راهنمای استفاده از کتاب

برای کسب بهترین نتیجه در امتحانات مدرسه گام‌های زیر را به ترتیب برای هر فصل طی کنید.

فیلم آموزشی

۱. برای استفاده از فیلم‌های آموزشی هر درس QR-Code های صفحه بعد را اسکن کنید.
۲. در هر درس مطالب کتاب درسی به طور کامل تدریس شده است.

گام

اول

درسنامه آموزشی

۱. ترجمه کلمه به کلمه و روان متن درس
۲. ارائه واژگان درس به همراه مترادف، متضاد و جمع مکسر از متن درس و تمرین‌ها
۳. یادآوری کامل قواعد سه سال دوره اول متوسطه در درس اول
۴. آموزش کامل قواعد هر درس براساس چارچوب کتاب درسی به همراه مثال
۵. ارائه قواعد تکمیلی با عنوان «ویژه علاقمندان» برای دانش‌آموزان علاقمند که مطالعه آن‌ها برای امتحانات ضروری نیست.
۶. ارائه مکالمه و پاسخ به تمرینات کتاب درسی به همراه ترجمه کلیه تمرین‌ها

گام

دوم

پرسش‌های تشریحی

۱. ارائه سؤالات امتحانی در تیپ‌های مختلف
۲. ارائه پاسخ تشریحی به سؤالات
۳. ارائه دو نمونه امتحان نوبت اول و نوبت دوم منطبق بر استاندارد آموزش و پرورش با پاسخ تشریحی

گام

سوم

بارم‌بندی درس عربی دهم

مهارت‌های زبانی	نوبت اول	نوبت دوم
مهارت واژه‌شناسی	۲	۲
مهارت ترجمه به فارسی	۷	۷
مهارت شناخت و کاربرد قواعد	۷/۵	۷/۵
مهارت درک و فهم	۲	۲
مهارت مکالمه	۱/۵	۱/۵
جمع	۲۰	۲۰

فهرست مطالب

FILM

فیلم درس **یکم** 190 min

فیلم درس **دوم** 178 min

فیلم درس **سوم** 180 min

فیلم درس **چهارم** 170 min

فیلم درس **پنجم** 215 min

فیلم درس **ششم** 154 min

فیلم درس **هفتم** 203 min

فیلم درس **هشتم** 178 min

جلد دوم: بانک سؤال

سؤالات درس **یکم** ۸۹

سؤالات درس **دوم** ۹۳

سؤالات درس **سوم** ۹۷

سؤالات درس **چهارم** ۱۰۱

سؤالات درس **پنجم** ۱۰۶

سؤالات درس **ششم** ۱۱۰

سؤالات درس **هفتم** ۱۱۵

سؤالات درس **هشتم** ۱۱۹

آزمون نوبت اول ۱۲۳

آزمون نوبت دوم ۱۲۶

جلد اول: آموزش

درس **یکم** ۸

درس **دوم** ۱۹

درس **سوم** ۲۷

درس **چهارم** ۳۷

درس **پنجم** ۴۸

درس **ششم** ۵۹

درس **هفتم** ۶۷

درس **هشتم** ۷۸

ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

﴿ذَٰلِكَ هُوَ اللَّهُ﴾ (آن همان خداوند است.) ﴿۱﴾

أَنْظُرُ	لَيْتَكَ	الشَّجَرَه	ذَاتِ	الْغُصُونِ	النَّصْرَه
نگاه کن	به آن	درخت	دارای	شاخه‌ها	تر و تازه

به آن درختِ دارای شاخه‌های تر و تازه نگاه کن.

كَيْفَ	نَمَتْ	مِنْ	حَبَّةٍ	وَ	كَيْفَ	صَارَتْ	شَجَرَه
چگونه	رشد کرد	از	دانه	و	چگونه	شد	درخت

چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درخت شد؟

فَابَحِثْ	وَ	قُلْ	مَنْ	ذَا	الَّذِي	يُخْرِجُ	مِنْهَا	الثَّمَرَه
پس تحقیق کن	و	بگو	کیست	این	کسی که	در می‌آورد	از آن	میوه

پس تحقیق کن و بگو این کیست که از آن [درخت] میوه را درمی‌آورد؟

وَ أَنْظُرْ	إِلَى	الشَّمْسِ	الَّتِي	جَدَوْتُهَا	مُسْتَعْرَه
و نگاه کن	به	خورشید	که	پارهٔ آتش آن	فروزان

و به خورشیدی که پارهٔ آتشِ آن فروزان است، نگاه کن.

فِيهَا	ضِيَاءٌ	وَ	يُهَا	حَرَارَةٌ	مُنْتَشِرَه
در آن	روشنایی	و	با آن	گرما	پخش‌شونده

در آن [خورشید] روشنایی هست و با آن گرما و حرارتی پخش‌شونده هست.

مَنْ	ذَا	الَّذِي	أَوْجَدَهَا	فِي	الْجَوِّ	مِثْلَ	الشَّرَرَه
کیست	این	کسی که	پدید آورد آن را	در	آسمان	مثل	پارهٔ آتش

این کیست که آن [خورشید] را همانند پارهٔ آتش در آسمان پدید آورد؟

ذَٰلِكَ	هُوَ	اللَّهُ	الَّذِي	أَنْعَمَهُ	مُنْهَمِرَه
آن	او	خدا	که	نعمت‌هایش	ریزان

آن، همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذُو	حِكْمَةٍ	بَالِغَةٍ	وَ	قُدْرَةٍ	مُقْتَدِرَه
صاحب، دارای	دانش	کامل	و	توانایی	نیرومند

[خداوند] صاحب دانشی کامل و تواناییِ نیرومندی است.

أَنْظُرْ	إِلَى	الَّيْلِ	فَمَنْ	أَوْجَدَ	فِيهِ	قَمَرَه
نگاه کن	به	شب	پس چه کسی	پدید آورد	در آن	ماه

به شب نگاه کن پس چه کسی در آن ماه را پدید آورد؟

وَ	زَانَةً	بِأَنْجَمٍ	كَالذُّرِّ	الْمُنْتَشِرَه
و	زینت داد آن را	با ستاره‌ها	مانندِ مرواریدها	پراکنده

و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده، زینت داد.

وَ أَنْظُرْ	إِلَى	الْغَيْمِ	فَمَنْ	أَنْزَلَ	مِنْهُ	مَطَرَه
و نگاه کن	به	ابر	پس چه کسی	نازل کرد	از آن	باران

و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن باران را نازل کرد (فرو فرستاد)؟

۱. الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرَّصَافِيِّ، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَهْلِ كُرْدِيَّةِ النَّسَبِ وَأُمُّ تُرْكُمَانِيَّةٍ، لَهُ أَثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَالشَّعْرِ.
شاعر: معروف رصافی، شاعری عراقی از پدري كردی‌الأصل و مادری تركمنی است. او آثار بسیاری در نثر و شعر دارد.

واژگان

أَنْ ...: که، این که ...

أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنم

أَنْجُم: ستارگان (مفرد: نَجْم)

أَنْزَلَ: نازل کرد (مضارع: يُنْزِلُ)

أَنْعَم: نعمت‌ها

أَوْجَدَ: پدید آورد (مضارع: يُوجِدُ)

بَالِغ: کامل

بَحْث: پژوهش (جمع: أَبْحَاث)

تَرْجِمَ: ترجمه کن

(ماضی: تَرَجَّمَ / مضارع: يُتَرَجَّمُ)

تَعَاوَفَ: آشنایی با همدیگر

جَذْوَة: پاره آتش

دَارَ: چرخید (مضارع: يَدْوِرُ: می چرخد)

دُزِرَ: مرواریدها (مفرد: دُرّ)

ذَا: این ← هَذَا

«مَنْ ذَا: این کیست؟»

ذات: دارای

ذو، ذَا، ذِي: دارای

ذَلِكَ: آن

زَانَ: زینت داد (مضارع: يَزِينُ / مصدر: زَيَّنَ)

شَرَزَة: اخگر (پاره آتش، زبانه آتش)

صَارَ: شد (مضارع: يَصِيرُ)

صَغَ: بگذار (وَضَعَ: گذاشت)

ضياء: روشنایی

عَيَّنَ: مشخص کن

(ماضی: عَيَّنَ / مضارع: يُعَيِّنُ)

غُصُون: شاخه‌ها (مفرد: غُصْن)

غَيِمَ: ابر

فَرَاغ: جای خالی

قَاعَة: سالن

قُلْ: بگو

مُسْتَعْرَة: فروزان

مُسْتَعِين: یاری جوینده

(مُسْتَعِيناً بِ: با کمک)

مَطَار: فرودگاه

مَعَ الْأَسْفِ: متأسفانه

مُنْهَمِرَة: ریزان

نَضِرَة: تر و تازه

نَمَتْ: رشد کرد «مُؤَنَّثَ نَمَا»

(ماضی: نَمَا / مضارع: يَنْمُو)

يُخْرِجُ: درمی آورد

(ماضی: أَخْرَجَ / مصدر: إِخْرَاج)

لِسَان = لُغَة	شَرَزَة = جَذْوَة	رَقَدَ = نَام	غَيِمَ = سَحَاب	ضِيَاء = نور
زبان	پاره آتش	خوابید	ابر	روشنایی
مُجْتَهِد = مَجِد	نَاجِح = مُوَفِّق = فائز	حَبِيب = صَدِيق	ثَمَر = فَاكِهَة	
کوشا، تلاشگر	موفق، قبول شده، پیروز	دوست	میوه	
بَيْع ≠ شَرَاء	بِدَايَة ≠ نِهَايَة	بَعِيد ≠ قَرِيب	حَزِين ≠ مَسْرُور	رَخِيس ≠ غَالِيَة
فروش ≠ خرید	آغاز ≠ پایان	دور ≠ نزدیک	غمگین ≠ خوشحال	ارزان ≠ گران
ضِيَاء ≠ ظَلَمَة	قَبِيح ≠ جَمِيل	لَيْل ≠ نَهَار	رَايِب ≠ نَاجِح، فائز	مَمْنُوع ≠ مَسْمُوح
روشنایی ≠ تاریکی	زشت ≠ زیبا	شب ≠ روز	مردود ≠ قبول، برنده	غیرمجاز ≠ مجاز
حَبِيب ≠ عَدُو				
دوست ≠ دشمن				
أَحْجَار ← حَجَر	أَنْجُم، نُجُوم ← نَجْم	أَنْعَم، نِعَم ← نِعْمَة	أَلْوَان ← لَوْن	دُزِرَ ← دُرّ
سنگ	ستاره	نعمت	رنگ	مروارید
غُصُون، أَغْصَان ← غُصْن	أَيَّام ← يَوْم	أَصْدِقَاء ← صَدِيق	عَقَارِب ← عَقْرَبَة	جَبَال ← جَبَل
شاخه	روز	دوست	عقربه	کوه
أَبْحَاث ← بَحْث	جُمَل ← جُمْلَة	أَفْعَال ← فِعْل		
پژوهش	جمله	فعل		

جمع مکسر

قواعد

مروری بر قواعد دوره اول متوسطه

دوست عزیز ابتدا نگاهی به مطالب سال‌های گذشته می‌اندازیم، چون تمرین‌های درس اول برای یادآوری همان مطالب است.

❖ حرکات: فتحه (ـَ) و تنوین آن (ـِ) / کسره (ـِ) و تنوین آن (ـِ) / ضمه (ـُ) و تنوین آن (ـُ) / ساکن (ـْ)

❖ کلمه بر سه نوع است
۱- اسم
۲- فعل
۳- حرف

اسم

داشتن «آل» یا «تنوین ـِ»	مثال التَّلْمِيزُ / تَلْمِيزًا، الطَّالِبُ / طَالِبٌ، الْمُعَلِّمُ / مُعَلِّمٌ
نشانه‌های اسم	مضاف یا مضاف‌الیه بودن مثال كِتَابُ التَّلْمِيزِ / كِتَابُ تَلْمِيزٍ
	ساکن بودن حرفِ دَوَم در کلمات سه حرفی مثال حَمْدٌ، بَعْدٌ و ...

باید بدانیم که ضمائر «هو، ...»؛ اسم‌های اشاره «هذا، ...»؛ اسم‌های استفهام «أین، کیف، ...» جزو اسم‌ها هستند.

اسم از نظر جنس	مذکر اسمی که در جانداران بر جنسِ نَر دلالت دارد یا می‌تواند بی‌جان باشد؛ مثال عَلِيٌّ، التَّلْمِيزُ، كِتَابٌ و ...
	مؤنث اسمی که در جانداران بر جنسِ ماده دلالت دارد یا می‌تواند بی‌جان باشد و علامت «ة» داشته باشد؛ مثال الطَّالِبَةُ، مُعَلِّمَةٌ، الشَّجَرَةُ، یا بدون علامت باشد، مثال الأُمُّ (مادر)، الأُخْتُ (خواهر)، الْبِنْتُ (دختر)

اسم از نظر تعداد	مفرد: یک چیز یا یک شخص بدون علامت مثال كِتَابٌ: یک کتاب طَالِبٌ / طَالِبَةٌ: یک دانش‌آموز پسر / یک دانش‌آموز دختر
	مثنی: دو چیز یا دو شخص علامت (اِنْ / يِنْ) کتاب + اِنْ / يِنْ: کِتَابَانِ / کِتَابَتَيْنِ: دو کتاب طالِب + اِنْ / يِنْ: طَالِبَانِ / طَالِبَتَيْنِ: دو دانش‌آموز (دانش‌آموزان) پسر طالِبَة + اِنْ / يِنْ: طَالِبَتَانِ / طَالِبَتَيْنِ: دو دانش‌آموز (دانش‌آموزان) دختر
	جمع: بیش از دو چیز یا دو شخص جمع مذکر سالم علامت (وَنْ / يَنْ) طالِب + وَنْ / يَنْ: طَالِبُونَ / طَالِبِينَ: چند دانش‌آموز (دانش‌آموزان) پسر مَجَلَّة + اِت: مَجَلَّات: چند مجله (مجله‌ها) طالِبَة + اِت: طَالِبَات: چند دانش‌آموز (دانش‌آموزان) دختر
	جمع مکسر بدون علامت و سَمَاعِي (شنیدنی) طالِب: طُلَّاب - مَدْرَسَة: مَدَارِس - كِتَاب: كُتُب

ویژه علاقمندان

آیا می‌دانید؟

❖ «شَمْس» (خورشید)، اَرْض (زمین)، رِیح (باد)، نار (آتش)، حَرْب (جنگ)، نَفْس (جان) و ... مؤنث‌اند.

❖ اسم شهرها «مَشْهَد، اِصفهان، ...» و کشورها «اِيران، اَلْبَنان، ...» مؤنث هستند.

❖ مصدرهای بیش از سه حرف با «اِت» جمع بسته می‌شوند. مثال اِمْتِحَان: اِمْتِحانات / تَوَجَّه: تَوَجَّهات

❖ جمع‌های مَكْسَر علامت خاصی ندارند و با شکستن و تغییر شکلِ مفرد بعضی از اسم‌ها ساخته می‌شوند، به خاطر همین به جمع‌های دیگر، سالم می‌گویند؛ چون با برداشتن علامت از آخرشان، مفرد آن‌ها سالم می‌ماند. البته چند وزن مانند «مَفَاعِل، مَفَاعِل، اَفْعَال، فِعَال، فُعَلَاء و ...» وجود دارند که بسیاری از جمع‌های مَكْسَر بر وزن آن‌ها ساخته می‌شوند. مثال مَكْتَب: مَكَاتِب / مِصْبَاح: مِصَابِیح / عَمَل: أَعْمَال / جَبَل: جِبَال / عَاقِل: عَقَلَاء و ...

اسم اشاره

در مورد اسم اشاره هم خواندیم که به طور کلی به «دور» و «نزدیک» تقسیم می‌شوند و برای اشاره کردن به اشیاء، مکان و اشخاص به کار برده می‌شوند.

اسم اشاره	نزدیک	مفرد	مذکر: هَذَا / ذَا (این) مؤنث: هَذِهِ (این)
		مثنی	مذکر: هَذَانِ، هَذَيْنِ (این دو، این‌ها) مؤنث: هَاتَانِ، هَاتَيْنِ (این دو، این‌ها)
		جمع	مذکر یا مؤنث: هَؤُلَاءِ (این‌ها)
	دور	مفرد	مذکر: ذَلِكَ / ذَاكَ (آن) مؤنث: تِلْكَ (آن)
		جمع	مذکر یا مؤنث: أُولَئِكَ (آن‌ها)

❖ اگر بعد از اسم اشاره، اسم «ال» دار بیاید، اسم اشاره چه مفرد باشد، چه مثنی و چه جمع، در هر صورت مفرد ترجمه می‌شود، ولی اگر اسم بعد از اسم اشاره بدون «ال» باشد، اسم اشاره به همان صورت ترجمه می‌شود.

مثال

هؤلاء الطلاب، ناجحون: این دانش‌آموزان، موفق هستند.

أولئك تلاميذ: آن‌ها، دانش‌آموز هستند.

ویژه علاقمندان

❖ برای اسم‌های جمعی که غیر انسان باشند از اسم اشاره مفرد مؤنث «هذه / تِلْكَ» استفاده می‌شود.

مثال هذه الأشجار، باسقة: این درختان، بلند هستند.

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ: آن، آیات کتاب حکمت‌آمیز است.

ضمیر

در سال‌های گذشته خواندیم که ضمایر به دو دسته تقسیم می‌شوند
۱- ضمایر منفصل
۲- ضمایر متصل

شخص	ضمیر منفصل	ترجمه	ضمیر متصل	ترجمه
اول شخص مفرد	أنا	من	ي	م - مرا
دوم شخص مفرد	أنت / أَنْتِ	تو	كَ / لَ	ت - تو را
سوم شخص مفرد	هُوَ / هِيَ	او	ه ، هـ / ها	ش - او را
اول شخص جمع	نحنُ	ما	نا	ما - ما را
دوم شخص جمع	أنتم / أَنْتُمْ / أَنْتُنَّ	شما	كُم / كُنَّ	تان - شما را
سوم شخص جمع	هُم / هُنَّ	آن‌ها / ایشان	هُم / هُنَّ	شان - ایشان را - آن‌ها را

❖ ضمایر منفصل (هُوَ، ... أنت، ... نحن): معمولاً اول جمله می‌آیند.

مثال

هُوَ عالِمٌ، او دانشمند است. أَنْتُمْ ناجحون: شما موفق هستید. أَنَا مجتهدٌ: من کوشا هستم.

❖ ضمایر متصل (هـ، ... كَ، ... نا) به آخر هر سه نوع کلمه (اسم، فعل، حرف) می‌چسبند.

مثال

نَصْرَةٌ: او را یاری کرد. کتابه: کتاب او (کتابش) إلیه: به سوی او (به سویش)

فعل

* فعل‌ها را از نظر زمان در جدول زیر ببینیم.

نام صیغه به فارسی	ضمیر	ماضی		مضارع		معادل ماضی استمراری	مستقبل
		مثبت	منفی	مثبت	منفی		
اول شخص مفرد	من ← أَنَا	كَتَبْتُ نوشتم	مَا كَتَبْتُ نوشتم	أَكْتُبُ می‌نویسم	لَا أَكْتُبُ نمی‌نویسم	كُنْتُ أَكْتُبُ می‌نوشتم	سَأَكْتُبُ خواهم نوشت
دوم شخص مفرد	تو [أَنْتَ / أَنْتِ]	كَتَبْتَ نوشتی	مَا كَتَبْتَ نوشتی	تَكْتُبُ می‌نویسی	لَا تَكْتُبُ نمی‌نویسی	كُنْتَ تَكْتُبُ می‌نوشتی	سَتَكْتُبُ خواهی نوشت
سوم شخص مفرد	او [هُوَ / هِيَ]	كَتَبَ نوشت	مَا كَتَبَ نوشت	يَكْتُبُ می‌نویسد	لَا يَكْتُبُ نمی‌نویسد	كَانَ يَكْتُبُ می‌نوشت	سَيَكْتُبُ خواهد نوشت
اول شخص جمع	ما ← نَحْنُ	كَتَبْنَا نوشتیم	مَا كَتَبْنَا نوشتیم	نَكْتُبُ می‌نویسیم	لَا نَكْتُبُ نمی‌نویسیم	كُنَّا نَكْتُبُ می‌نوشتیم	سَنَكْتُبُ خواهیم نوشت
دوم شخص جمع	شما [أَنْتُمْ / أَنْتُنَّ]	كَتَبْتُمْ نوشتید	مَا كَتَبْتُمْ نوشتید	تَكْتُبُونَ می‌نویسید	لَا تَكْتُبُونَ نمی‌نویسید	كُنْتُمْ تَكْتُبُونَ می‌نوشتید	سَتَكْتُبُونَ خواهید نوشت
سوم شخص جمع	ایشان [هُمَ / هُنَّ]	كَتَبُوا نوشتند	مَا كَتَبُوا نوشتند	يَكْتُبُونَ می‌نویسند	لَا يَكْتُبُونَ نمی‌نویسند	كَانُوا يَكْتُبُونَ می‌نوشتند	سَيَكْتُبُونَ خواهند نوشت

* در قواعد عربی برای ساختن فعلِ مستقبل از حرف «سَوْفَ» نیز استفاده می‌شود.

مثال سَوْفَ يَكْتُبُ: خواهد نوشت.

فعل امر

برای دستور دادن به کسی، از فعل امر استفاده می‌کنیم. فعل امر از مضارع دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع ساخته می‌شود.

روش ساختن فعل امر

۱ حرف «ت» را از ابتدای فعل مضارع حذف می‌کنیم.

«ت» باشد، اول فعل «أ» می‌آوریم.

۲ اگر اولین حرف ساکن (ء) باشد و حرکت حرف دوم ریشه (عين الفعل) «ت» یا «ب» باشد، اول فعل، «ا» می‌آوریم.

۳ «ت» باشد، ساکن (ء) می‌کنیم.

آخر فعل اگر «ن» باشد، آن را حذف می‌کنیم به جز «نون جمع مؤنث» که ضمیر است و حذف نمی‌شود.

مثال

تَجَلَّسَ ← جَلَسَ ← اجْلِسْ (بنشین)

تَجَلَّسْنَ ← اجْلِسْنَ ← اجلسي (بنشین)

تَجَلَّسَانِ ← اجْلِسَا (بنشینید، پس از حذف نون، به خاطر زیبایی، الف (ا) می‌گذاریم.)

تَجَلَّسُوا ← اجْلِسُوا (بنشینید)

تَجَلَّسْنَ ← اجْلِسْنَ (بنشینید، نون جمع مؤنث حذف نمی‌شود.)

تَذَهَّبْنَ ← اِذْهَبَا (بروید)

تَكْتُبُ ← اَكْتُبْ (بنویس)

فعل نهی

با فعل نهی کسی را از انجام کار یا داشتن حالت باز می‌داریم.

روش ساختن فعل نهی

۱ حرف «لا» ی نهی، اول فعل مضارع می‌آید؛

«ت» باشد، ساکن (ء) می‌شود.

۲ آخر فعل اگر «ن» باشد، حذف می‌شود به جز «نون جمع مؤنث» که ضمیر است و حذف نمی‌شود.

مثال

- تَذْهَبُ ← لَا تَذْهَبُ (نرو)
تَذْهَبَانِ ← لَا تَذْهَبَانِ (نروید)
تَذْهَبْنَ ← لَا تَذْهَبْنَ (نروید، نون جمع مؤنث حذف نمی‌شود).
تَذْهَبِينَ ← لَا تَذْهَبِينَ (نروید، پس از حذف نون، به خاطر زیبایی، الف (ا) می‌آید).
تَذْهَبُونَ ← لَا تَذْهَبُونَ (نروید، نون جمع مؤنث حذف نمی‌شود).

فعل نفی

- ❖ ماضی منفی: ما + فعل ماضی. **مثال** ذَهَبَ (رفت) ← نَفَى ما ذَهَبَ (نرفت)
❖ مضارع منفی: لا + فعل مضارع. حرف «لا» ی نفی، اول فعل مضارع می‌آید؛ آخر فعل را تغییر نمی‌دهد، ولی معنای آن را منفی می‌کند.
مثال تَذْهَبُ (می‌روی) ← نَفَى لا تَذْهَبُ (نمی‌روی)
تَذْهَبَانِ (می‌روید) ← نَفَى لا تَذْهَبَانِ (نمی‌روید)

ترکیب اضافی - ترکیب وصفی

- ❖ هرگاه دو اسم با هم خوانده شوند، معمولاً با دو ترکیب مواجهیم؛ یا ترکیب اضافی است که «مضاف و مضاف‌إلیه» دارد یا ترکیب وصفی است که «موصوف و صفت» دارد.
❖ در ترکیب اضافی، اسم اول را مضاف گویند که نه «ال» می‌گیرد و نه «تنوین (ـِ)» و اسم دوم را مضاف‌إلیه گویند که می‌تواند اسم خاص یا اسم «ال» دار یا ضمیر متصل یا اسم اشاره باشد.

مثال كِتَابِ عَلِيٍّ (کتاب علی) / مَعْلَمِ الْمَدْرَسَةِ (معلم مدرسه) / قَلَمُكَ (قلم تو) / قَلَمِ هَذَا التَّلْمِيزِ (قلم این دانش‌آموز)
مضاف مضاف‌إلیه مضاف مضاف‌إلیه مضاف مضاف‌إلیه مضاف مضاف‌إلیه

- ❖ در ترکیب وصفی هم دو اسم وجود دارد که معمولاً یا هر دو «ال» دارند یا هر دو بدون «ال» می‌باشند و تنوین (ـِ) دارند. اسم اول را که وصف می‌شود، موصوف و اسم دوم را که وصف می‌کند، صفت گویند. صفت از چهار جهت «جنس (مذکر یا مؤنث)، تعداد (مفرد، مثنی یا جمع بودن)، داشتن یا نداشتن «ال» و حرکت» شبیه موصوف است.

مثال التَّلْمِيزَةُ النَّاجِحَةُ (دانش‌آموز موفق) / كِتَابًا مُفِيدًا (کتابی مفید) / الْمُعَلِّمُونَ الْمُجِدِّدُونَ (معلمان کوشا)
موصوف صفت موصوف صفت موصوف صفت

- ❖ توجه داشته باشیم گاهی یک اسم، هم مضاف‌إلیه و هم صفت دارد. در فارسی، اول صفت برای اسم می‌آید و بعد مضاف‌إلیه، ولی در عربی، اول مضاف‌إلیه برای اسم می‌آید و بعد صفت.

مثال كِتَابِي الْمُفِيدِ (کتاب سودمند من) / بَيْتِكَ الْجَمِيلِ (خانه زیبای تو) / مَدْرَسَتُهُ الْكَبِيرَةُ (مدرسه بزرگ او)
مضاف‌إلیه صفت مضاف‌إلیه صفت مضاف‌إلیه صفت

وزن اسم

- ❖ وزن اسم‌هایی که ریشه فعلی دارند، براساس ریشه «ف-ع-ل» با اضافه کردن حروف اضافه و حرکتهای آن اسم، به دست می‌آید:
کاتب ← وزن فاعل مَخْلُوق ← وزن مفعول أَعْلَمَ ← وزن أَفْعَل

- ❖ ترجمه اسم بر وزن «أَفْعَل» در جمله] بعد از آن حرف «مِنْ» باشد: أَفْضَلُ مِنْ: برتر از
بعد از آن مضاف‌إلیه باشد: أَفْضَلُ النَّاسِ: برترین مردم

کلمات پرسشی

کلمات پرسشی عبارتند از: هَلْ / أ (آیا)، مَنْ (کیست، چه کسی)، لِمَنْ (برای کیست، مال چه کسی است)، مَا / ماذا (چیست، چه چیزی)، لِمَاذَا / لِمَ (برای چه، چرا)، بِمَاذَا / بِمَ (به چه چیزی، با چه چیزی)، أَيْنَ (کجا)، مِنْ أَيْنَ (از کجا، اهل کجا)، کَمَ (چند، چقدر)، مَتَى (کی، چه وقت)، کَيْفَ (چگونه)، أَيْ (کدام)، ... که برای پرسش از مخاطب به کار می‌روند.

موارد استفاده از کلمات پرسشی

کلمات پرسشی	نحوه پاسخگویی
«هَلْ / أ؟»	در جواب، «نعم (بله)» یا «لا (خیر)» گفته می‌شود و می‌توان جمله را طبق شرایط کلی مثبت یا منفی تکرار کرد. مثال هَلْ تَكْتُبُ دَرْسَكَ؟ (آیا درست را می‌نویسی؟) نعم، أَكْتُبُ درسی. (بله، درسم را می‌نویسم.) / أ تَقْرَأُ الْمَجَلَّةَ؟ (آیا مجله می‌خوانی؟) لا، لا أَقْرَأُ الْمَجَلَّةَ. (نه، مجله نمی‌خوانم.) / لا، أَقْرَأُ الصَّحِيفَةَ. (نه، روزنامه می‌خوانم.)
«مَنْ؟»	در جواب، اسم شخص یا شغل او گفته می‌شود. مثال مَنْ هُوَ؟ (او کیست؟) هُوَ صَدِيقِي. (او دوستم است.) / هُوَ عَلِيٌّ. (او علی است.)
«لِمَنْ؟»	در جواب، اسم مالک آن چیز یا آن شخص گفته می‌شود. مثال لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟ (این کیف مال کیست؟) لِحُسَيْنٍ / لِأَخِي / لِعَامِلِي. (مال حسین / مال برادرم / مال کارگرم است.)
«ما / ماذا؟»	در جواب، اسم شیء گفته می‌شود. مثال مَا هَذَا؟ (این چیست؟) هَذَا كِتَابٌ. (این کتاب است.) / ماذا تَقْرَأُ؟ (چه چیزی می‌خوانی؟) أَقْرَأُ مَجَلَّةً. (مجله می‌خوانم.)
«لِمَاذَا؟»	در جواب، با «لأنَّ / لِ» (برای این که، برای) عِلَّت گفته می‌شود. مثال لِمَاذَا تَدْرُسُ أَحْتَكْ؟ (برای چه خواهرت درس می‌خواند؟) لِلتَّحَاكِ فِي الْحَيَاةِ. (برای موفقیت در زندگی.)
«بِمَاذَا / بِمَنْ؟»	در جواب، اسم آن چیز یا وسیله حمل و نقل گفته می‌شود. مثال بِمَاذَا كَتَبْتَ؟ (با چه چیزی نوشتی؟) بِالْقَلَمِ. (با قلم.) / بِمَاذَا جِئْتَ؟ (با چه چیزی آمدی؟) بِالسَّيَّارَةِ. (با خودرو.)
«أَيْنَ؟»	در جواب، شهر، کشور، مکان «فی، أمامَ، تَحْتَ، فَوْقَ، هُنَاكَ...» گفته می‌شود. مثال أَيْنَ وَالذِّكُّ؟ (پدرت کجاست؟) وَالِدِي فِي طَهْرَانٍ. (پدرم در تهران است.)
«مِنْ أَيْنَ؟»	در جواب، اسم مکان، شهر یا کشوری ... که اهل آن جاست، گفته می‌شود. مثال مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ (تو از کجا هستی؟) مِنْ إِيْرَانٍ (از ایران)
«كَمْ؟»	از چند و مقدار پرسیده می‌شود و در جواب، تعداد (عدد) می‌آید. مثال كَمْ تَلْمِيزًا فِي الصَّفِّ؟ (چند دانش آموز در کلاس است؟) بِنْتَانِ تَلْمِيزَتَيْنِ (دو دانش آموز)
«مَتَى؟»	در جواب، زمان «الْيَوْمَ، أَمْسٍ، لَيْلٍ، مَسَاءً، قَبْلَ، بَعْدَ، فِي الصَّبَاحِ و...» گفته می‌شود. مثال مَتَى تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ (کی به مدرسه می‌روی؟) أَذْهَبُ عِنْدَ الصَّبَاحِ. (هنگام صبح می‌روم.)
«كَيْفَ؟»	در جواب، حالت خود یا دیگران بیان می‌شود. مثال كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چطور؟) أَنَا بَخِيرٌ (من خوبم.) / كَيْفَ جَاءَ عَلِيٌّ؟ (علی چگونه آمد؟) جَاءَ عَلِيٌّ مَسْرُورًا. (علی خوشحال آمد.) / كَيْفَ جِئْتَ؟ (چگونه آمدی؟) جِئْتُ عَاجِلًا (با عجله آمدم.)
«أَيَّ؟»	معمولاً از مکان یا زمان یا موقعیت چیزی پرسیده می‌شود. مثال فِي أَيِّ مَكَانٍ تُطَالِعُ؟ (در کدام مکان مطالعه می‌کنی؟) فِي الْمَكْتَبَةِ (در کتابخانه) / أَيَّ يَوْمٍ بَعْدَ السَّبْتِ؟ (کدام روز بعد از شنبه است؟) الْأَحَدَ (یکشنبه)

اعداد اصلی و ترتیبی

اعداد اصلی و ترتیبی را در پایه هفتم یاد گرفتیم، اکنون در حد شمارش مرور می‌کنیم و در درس دوم نکات بیش‌تری از آن‌ها را خواهیم خواند.

اعداد اصلی

مذکر	واحد	اثنان	ثلاث	أربع	خمس	ست	سبع	ثمانی	تسع	عشر	أحد عشر	اثنان عشر
مؤنث	واحدة	اثنتان	ثلاثة	أربعة	خمسة	ستة	سبعة	ثمانية	تسعة	عشرة	أحدى عشرة	اثنتا عشرة
ترجمه	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	دوازده

اعداد ترتیبی

مذکر	الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع	الثامن	التاسع	العاشر	الحادي عشر	الثاني عشر
مؤنث	الأولى	الثانية	الثالثة	الرابعة	الخامسة	السادسة	السابعة	الثامنة	التاسعة	العاشرة	الحادية عشرة	الثانية عشرة
ترجمه	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

ساعت

❖ ساعت را قبلاً یاد گرفتیم، سؤال آن: «کَمِ السَّاعَةُ الْآنَ؟ (الآن ساعت چند است؟) و جواب آن با توجه به ساعت، می تواند اینها باشد: الواحدة (۱:۰۰)، الثانية (۲:۰۰)، الثالثة (۳:۰۰)، الرابعة (۴:۰۰)، الخامسة (۵:۰۰)، السادسة (۶:۰۰)، السابعة (۷:۰۰)، الثامنة (۸:۰۰)، التاسعة (۹:۰۰)، العاشرة (۱۰:۰۰)، الحادية عشرة (۱۱:۰۰) و الثانية عشرة (۱۲:۰۰) که می توان به آخر آن ها «تماماً» را اضافه کرد.

مثال کَمِ السَّاعَةُ الْآنَ؟ الثانية عشرة تماماً (۱۲ تمام).

❖ برای «۱۵ دقیقه، ۳۰ دقیقه و ۴۵ دقیقه» به ترتیب «الرَّبْع، النِّصْف وِ الْإِثْنَاءُ» را به کار می بریم.

مثال کَمِ السَّاعَةُ الْآنَ؟



السَّابِعةُ الْإِثْنَاءُ: یک ربع به هفت (۶:۴۵)



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ: هشت و نیم (۸:۳۰)



السَّادِسَةُ وَ الرَّبْعُ: شش و ربع (۶:۱۵)

روزهای هفته

السَّبْتُ (شنبه)، الْأَحَدُ (یکشنبه)، الْإِثْنَيْنِ (دوشنبه)، الثَّلَاثاء (سهشنبه)، الْأَرْبَعاء (چهارشنبه)، الْخَمِيس (پنجشنبه)، الْجُمُعَة (جمعه)

فصلهای سال

الرَّبِيع (بهار)، الصَّيف (تابستان)، الخَرِيف (پاییز)، الشَّتَاء (زمستان)

رنگهای اصلی

أَبْيَض (سفید)، أَسْوَد (سیاه)، أَخْضَر (سبز)، أَحْمَر (سرخ)، أَصْفَر (زرد)، أَزْرَق (آبی)

دوست عزیز، امیدوارم برای پاسخ به سؤالات آماده شده باشید. اگر هم نتوانستید، لازم است چند بار مطالب و توضیحات را مرور کنید تا توانایی پاسخ به تمرینات و سؤالات را به دست آورید.

مکالمه

جَوَاؤُ (الْتَعَاوُفُ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ)

گفتگو (آشنایی در فرودگاه نجف اشرف)

زائِر مَرَقَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (زیارت کننده آرامگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام)	أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ (یکی از کارمندان در سالن فرودگاه)
الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ. (درود بر شما.)	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (درود و رحمت خداوند و برکاتش بر شما باد.)
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي. (صبح به خیر ای برادرم.)	صَبَاحَ التَّوَرِ وَ الشُّرُورِ. (صبح [شما] پر از نور و خوشی باد.)
كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چطور است؟)	أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ أَنْتَ؟ (من خوبم و تو چطوری؟)
بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ. (خوبم، شکر خدا)	عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ (ببخشید، تو اهل کجا هستی؟ (تو از کجایی؟))
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. (من از جمهوری اسلامی ایران هستم.)	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (اسم شریف چیست؟)
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (اسم من حسین است و اسم شریف تو چیست؟)	إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ. (اسم من عبدالرحمان است.)
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانِ حَتَّى الْآنَ؟ (آیا تا به حال به ایران سفر کردی؟)	لَا، مَعَ الْأَسْفِ لِكُنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسَافِرَ. (نه؛ متأسفانه. اما دوست دارم که سفر کنم.)
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانِ! (اگر خدا بخواهد به ایران سفر می کنی!)	إِنْ شَاءَ اللَّهُ: إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ. (اگر خدا بخواهد؛ به امید دیدار؛ به سلامت.)
فِي أَمَانِ اللَّهِ. (در پناه خدا.)	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي. (در پناه خدا و حفظ او باشی، ای دوستم.)

تمارین کتاب درسی

اَلتَّمَرِیْنِ الْاَوَّلُ ✦ تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ، وَ اَكْتُبْ نَوْعَ الْاَفْعَالِ. (این جمله‌ها را ترجمه کن و نوع فعل‌ها را بنویس.)

اُكْتُبْ رِسَالَتَكَ.	نامه‌ات را بنویس.	لا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ.	روی دیوار ننویس.
اُكْتُبْ: فعل امر		لا تَكْتُبْ: فعل نهی	
اُكْتُبُوا وَاِجَابَتِكُمْ.	تکلیف‌هایتان را بنویسید.	هُنَّ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ.	ایشان با سرعت (باعجله) نمی‌نویسند.
اُكْتُبُوا: فعل امر		لا يَكْتُبْنَ: مضارع منفی (نفی)	
سَأَكْتُبُ دَرَسِي.	درس‌م را خواهم نوشت.	إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا.	به راستی ما پژوهش‌هایی را خواهیم نوشت.
سَأَكْتُبُ: فعل مستقبل		سَوْفَ نَكْتُبُ: فعل مستقبل	
مَا كَتَبْتُمْ تَمَارِينَكُمْ.	تمرین‌هایتان را ننوشتید.	كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدَقَّةٍ.	بادقت می‌نوشتند.
مَا كَتَبْتُمْ: ماضی منفی (نفی)		كَانُوا يَكْتُبُونَ: معادل ماضی استمراری	

۱۶

آموزش | درس اول

اَلتَّمَرِیْنِ الثَّانِي

صَغِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةُ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ» (در دایره عدد مناسب را بگذار. «یک کلمه اضافه است.»)

- ۱- اَلشَّمْرَةُ (اخگر) الف: مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ. (از سنگ‌های زیبای گرانبه‌ای که سفیدرنگ است.)
- ۲- اَلشَّمْسُ (خورشید) ب: جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً، فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ. (پاره آتش فروزان است، در آن روشنایی است و گرمایش پراکنده است.)
- ۳- اَلْقَمَرُ (ماه) ج: كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ. (سیاره‌ای که به دور زمین می‌چرخد؛ نورش از خورشید است.)
- ۴- اَلْأَنْعُمُ (نعمت‌ها) د: بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. (بخاری فشرده در آسمان که از آن باران می‌بارد.)
- ۵- اَلْغَيْمُ (ابر) هـ: مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. (از لباس‌های زنانه با (دارای) رنگ‌های گوناگون)
- ۶- اَلْفُسْتَانُ (پیراهن زنانه) و: قِطْعَةٌ مِنَ التَّارِ. (پاره‌ای از آتش)
- ۷- اَلدَّرَرُ (مرواریدها)

پاسخ: ✓

۱- (و) ۲- (ب) ۳- (ج) ۴- (اضافه آمده است.) ۵- (د) ۶- (هـ) ۷- (الف)

اَلتَّمَرِیْنِ الثَّلَاثُ

صَغِّ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در جای مناسبش قرار بده.)

هَؤُلَاءِ فَائِزَاتُ / هَؤُلَاءِ الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ الْبَطَّارِيَّةُ / أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ / هَؤُلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ / هَاتَانِ رُجَا جَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
تِلْكَ الْبَطَّارِيَّةُ	هَؤُلَاءِ الدَّلِيلَانِ	هَاتَانِ رُجَا جَتَانِ	أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ	هَؤُلَاءِ فَائِزَاتُ	هَؤُلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ
آن باتری	این دو راهنما	این‌ها دو شیشه هستند.	آن درستکاران	این‌ها برندگان هستند.	این دوستان

اَلتَّمَرِیْنِ الرَّابِعُ

اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ. (وزن کلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.)

- ۱- نَاصِرٌ، مَنصُورٌ، أَنْصَارٌ: وزن‌شان به ترتیب «فَاعِلٌ، مَفْعُولٌ، أَفْعَالٌ» و ریشه آن‌ها «ن ص ر» است.
- ۲- صَبَّارٌ، صَبُورٌ، صَابِرٌ: وزن‌شان به ترتیب «فَعَّالٌ، فَعُولٌ، فَاعِلٌ» و ریشه آن‌ها «ص ب ر» است.

﴿التَّحْرِيْرُ الْخَامِسُ﴾ ضَعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. (مترادفها و متضادها را در جای خالی مناسب بگذار.) = ≠

ضیاء / نام / ناچ / مسرور / قریب / جمیل / نهاییه / یمین / غالیة / شراء / مسموح / مجد

رَحِيصَةٌ ≠ غَالِيَّةٌ ارزان ≠ گران	رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ مردود ≠ قبول	يَسَارٌ ≠ يَمِينٌ چپ ≠ راست	بَيْعٌ ≠ شِرَاءٌ فروش ≠ خرید
بِدَايَةٌ ≠ نِهَايَةٌ آغاز ≠ پایان	بَعِيدٌ ≠ قَرِيبٌ دور ≠ نزدیک	رَقْدٌ = نَامٌ خوابید	قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ زشت ≠ زیبا
نور = ضیاء روشنایی	حَزِينٌ ≠ مَسْرُورٌ غمگین ≠ خوشحال	مُجْتَهِدٌ = مُجَدِّدٌ تلاشگر، کوشا	مَمْنُوعٌ ≠ مَسْمُوحٌ غیرمجاز ≠ مجاز

﴿التَّحْرِيْرُ السَّادِسُ﴾ أَرَسُمُ عَقَارِبِ السَّاعَاتِ. (عقربه‌های ساعت‌ها را بکش.)



التَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعاً

یک ربع مانده به نه (هشت و چهل و پنج دقیقه)



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ

هشت و نیم (هشت و سی دقیقه)



الخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ

پنج و ربع (پنج و پانزده دقیقه)

﴿التَّحْقِيقُ الْعِلْمِيُّ﴾ (پژوهش علمی)

إِنِّحْتُ فِي الْإِنْتَرْنَتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جَمَلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجَّمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ. در اینترنت یا کتابخانه متنی کوتاه یا جمله‌هایی به زبان عربی دربارهٔ بزرگی و عظمت آفریده‌های خداوند جست و جو کن (پیدا کن). سپس آن را با کمک واژه‌نامهٔ عربی- فارسی، به فارسی ترجمه کن.

جِبَالٌ كَبِيرُكُوهٍ فِي مَدِينَةِ بَدْرَةِ بِمَحَافِظَةِ إِيْلَامِ

کوه‌های کبیرکوه در شهر بدره در استان ایلام

﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾ آل عمران: ۱۹۱

«و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند و [می‌گویند] پروردگارا! این [ها] را بیهوده نیافریدی.»



اول

سوالات امتحانی درس

مهارت واژه‌شناسی

الف ترجمه کلمات التي تحتها خط: (کلماتی که زیرشان خط است را ترجمه کن.)

- ۱- الشَّمْسُ جَدَوْتُهَا مُسْتَعِرَةً
 ۲- الشَّجَرَةُ ذَاتُ الْعُصُونِ النَّصْرَةِ /
 ۳- اللَّهُ ذُو حِكْمَةٍ بِالْقَةِ
 ۴- كَيْفَ صَارَتْ حَبَّةُ شَجَرَةٍ
 ۵- ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ
 ۶- الْفُسْتَانُ ذَاتُ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ

ب اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَاتِ: (مفرد یا جمع کلمه‌ها را بنویس.)

- ۷- بَحْثُ:
 ۸- صَدِيقُ:
 ۹- عُصُونُ:
 ۱۰- أَنْصَارُ:

ج اُكْتُبْ فِي الْفَرَائِغِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ: (در جاهای خالی کلمات مترادف و متضاد را بنویس.) = ≠

غَيْمٌ / ثَمَرٌ / قَبِيحٌ / مَمْنُوعٌ / رَاسِبٌ / جَذْوَةٌ / زَقْدٌ / بَيْعٌ / شَرَزَةٌ / شِرَاءٌ / نَامٌ / نَاجِحٌ / فَاكِهَةٌ / مَسْمُوحٌ / جَمِيلٌ / سَحَابٌ

- ۱۱- =
 ۱۲- ≠
 ۱۳- =
 ۱۴- =
 ۱۵- =
 ۱۶- ≠
 ۱۷- ≠
 ۱۸- ≠

د عَيْنِ الْكَلِمَةِ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى: (کلمه‌ای که با کلمات دیگر تناسب ندارد، مشخص کن.)

- ۱۹- الْجَذْوَةُ ☐ الشَّجَرُ ☐ الْحَبَّةُ ☐ الْعُصْنُ ☐
 ۲۰- النَّجْمُ ☐ الشَّمْسُ ☐ الْجِدَارُ ☐ الْقَمَرُ ☐
 ۲۱- الْحَجَرُ ☐ الدَّرُّ ☐ الرُّجَاجَةُ ☐ النَّصْرَةُ ☐

مهارت ترجمه به فارسی

ه ترجمه عبارات التالية: (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

- ۲۲- أَنْزَلَ اللَّهُ الْمَطَرَ مِنَ الْغَيْمِ.
 ۲۳- نَمَتِ الْحَبَّةُ مِنَ الْأَرْضِ ثُمَّ ظَهَرَتْ شَجَرَةً.
 ۲۴- خَلَقَ اللَّهُ الشَّمْسَ فِي السَّمَاءِ لِلضَّيَاءِ.
 ۲۵- رَأَيْتُ الْأَنْجَمَ مِثْلَ الدَّرِّ فِي اللَّيْلِ.
 ۲۶- اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَنْعَمَ لِكُلِّ الْمَوْجُودَاتِ كَثِيرَةً.
 ۲۷- ابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ يَخْرِجُ مِنَ الشَّجَرَةِ الثَّمَرَةَ؟
 ۲۸- لَا تَنْظُرُوا إِلَى الشَّمْسِ فِي وَسْطِ السَّمَاءِ لِأَنَّ نُورَهَا الشَّدِيدَ يَضُرُّ إِلَى عُيُونِكُمْ.
 ۲۹- أَقْطَعَ عُصُونَ الشَّجَرَةِ الَّتِي لَيْسَتْ لَهَا ثَمَرَةٌ.
 ۳۰- عَلَيْنَا الشُّكْرُ لِلْأَنْعَمِ الْكَثِيرَةِ فِي الطَّبِيعَةِ.
 ۳۱- الشَّمْسُ فِي الصَّيْفِ حَارَّتُهَا مُنْتَشِرَةً فِي كُلِّ مَكَانٍ.
 ۳۲- أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ الْقَمَرَ؟
 ۳۳- اللَّهُ زَانَ اللَّيْلِ بِأَنْجَمٍ كَالدَّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ.
 ۳۴- الْقَمَرُ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِياؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
 ۳۵- وَ أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ الْمَطَرَ؟

و كَمِّلِ الْفَرَائِغَ فِي التَّرْجُمَةِ: (جاهای خالی را در ترجمه کامل کن.)

- ۳۶- مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمَ مِنْهُمْ؟
 ۳۷- كَانَ الطُّلَابُ يَكْتُبُونَ الدَّرْسَ بِدَقَّةٍ.
 ۳۸- «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ»
 ۳۹- «وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»
 ۴۰- الْغَيْمُ بُخَارٌ مُتْرَكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
 که نعمت‌هایش است؟
 دانش‌آموزان را با دقت
 از آن خدایی است که و زمین را و و روشنائی را
 و در آفرینش آسمان‌ها و زمین [ومی‌گویند] پروردگار! این را ببینید
 بخاری به هم فشرده در آسمان است که باران

ز عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ: (ترجمه صحیح را مشخص کن.)

- ۴۱- كَانَتِ التَّلْمِيذَةُ تَكْتُبُ دَرُوسَهَا.
 دانش‌آموز درس‌هایش را (۱. می‌نویسد. ☐ ۲. می‌نوشت. ☐)
 ۴۲- دَهَبْنَا مَعَ أُسْرَتِي إِلَى الْغَابَةِ وَ قَالُوا: لَا تَقْطَعُوا الْأَشْجَارَ.
 با خانواده‌ام به جنگل (۱. رفتم ☐ ۲. رفتیم ☐) و گفتند: درختان را (۱. قطع نمی‌کنید ☐ ۲. قطع نکنید ☐)
 ۸۹

۴۳- أَوْجَدَ اللَّهُ التَّيَاتَاتِ مِنَ الْأَرْضِ.

خداوند گیاهان را از زمین (۱. پدید آورد ☐ ۲. پدید می آورد ☐).

۴۴- أَنْظُرْ إِلَى قُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ.

به قدرت خداوند (۱. نگاه کن ☐ ۲. نگاه می کنم ☐) و (۱. می گویم ☐ ۲. بگو ☐) سپاس برای خداست.

۴۵- اللَّهُ يَزِينُ الْأَشْجَارَ بِالْأَوْرَاقِ الْمُلَوَّنَةِ فِي الْخَرِيفِ.

خداوند درختان را با (۱. برگ های ☐ ۲. برگ ☐) رنگارنگ در پاییز (۱. زینت داد ☐ ۲. زینت می دهد ☐).

۴۶- ضِيَاءُ الشَّمْسِ كَثِيرَةٌ وَ حَرَارَتُهَا مُنْتَشِرَةٌ.

(۱. فاصله ☐ ۲. روشنایی ☐) خورشید زیاد و گرمایش (۱. کم ☐ ۲. پخش شده ☐) است.

۴۷- إِحِثْ فِي الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ ثُمَّ تَرْجِمُهُ مُسْتَعِينًا بِالْمُعْجَمِ.

در کتابخانه در مورد متنی (۱. کوچک ☐ ۲. کوتاه ☐) درباره عظمت آفریده های خداوند (۱. پژوهش کن ☐ ۲. پژوهش کنید ☐) سپس آن را با

(۱. استفاده ☐ ۲. کمک ☐) واژه نامه (۱. ترجمه کنید ☐ ۲. ترجمه کن ☐).

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

ح کَمَلِ الْفَرَائِغَ بِالْكَلِمَةِ الْمُنَاسِبَةِ: (جاهای خالی را با کلمه مناسب کامل کن.)

۴۸- يَدُورُونَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ. (هُم ☐ هُنَّ ☐) ۵۲- التَّلْمِيذَاتُ بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ. (مضارع مناسب از «صَرَخَ»)

۴۹- أَنْتُمْ كِتَابَ الْعَرَبِيِّ. (تَقْرَأْنَ ☐ تَقْرَؤُونَ ☐) ۵۳- الْفَصْلُ الرَّابِعُ مِنَ السَّنَةِ هُوَ فَصْلُ (السَّيَّءُ ☐ الْخَرِيفُ ☐)

۵۰- يَا سَعِيدُ وَ حَمِيدُ دُرُوسَكُمْ. (أَكْتُبَا ☐ كُتِبَا ☐) ۵۴- نَأْكُلُ فِي اللَّيْلِ. (الْعِشَاءُ ☐ الْغَدَاءُ ☐)

۵۱- هَذِهِ الشَّجَرَةُ. (فعل نهی از «تَقْرَبَانِ») ۵۵- مَجَلَّةٌ. (هذا ☐ هَذِهِ ☐)

ط اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ: (وزن کلمات و حروف اصلی آن ها را بنویس.)

۵۶- «عَفَّارٌ، مَغْفُورٌ» ۵۸- «مِصْبَاحٌ، صَبَاحٌ»

۵۷- «شَكُورٌ، شَاكِرٌ» ۵۹- «عَلِيمٌ، مُعَلِّمٌ»

ی ضَعْ هَذِهِ التَّرَاكِبَ وَ الْجُمْلَتَيْنِ فِي مَكَانَيْهَا الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرْجِمْهُمَا: (این ترکیب ها و دو جمله را در مکان مناسبشان بگذار، سپس آن ها را ترجمه کن.)

هَؤُلَاءِ مُعَلِّمَاتٌ / هَاتَانِ الْفَائِزَتَانِ / تِلْكَ الْبَطَّارِيَةُ / هَذَانِ الدَّلِيلَانِ / ذَلِكَ التَّلْمِيذُ

۶۰- مفرد مذکر: ۶۲- مثنی مذکر: ۶۴- جمع مؤنث:

۶۱- مفرد مؤنث: ۶۳- مثنی مؤنث:

ک اُكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ وَ تَرْجِمْهُمَا: (نوع فعل ها را بنویس و آن ها را ترجمه کن.)

۶۵- أَطْلُبُ حَقِّكَ: ۶۸- سَوْفَ تَطْلُبُ عِزَّةَ الْمُؤْمِنِينَ:

۶۶- الطَّالِبَاتُ لَا يَطْلُبْنَ الرَّسَبَ: ۶۹- هُمْ كَانُوا يَطْلُبُونَ الْأَخْرَةَ:

۶۷- أَنْتُمْ مَا طَلَبْتُمْ ثَمَرَةَ الشَّجَرَةِ: ۷۰- لَا تَطْلُبْ دَفْتَرَ زَمِيلِكَ:

ل اُرْسِمُ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ: (عقربه های ساعت ها را بکش.)

۷۱- السَّادِسَةُ وَ الرَّبْعُ



۷۲- الثَّامِنَةُ إِلَّا زُبْعًا



م اُكْتُبِ السَّاعَةَ: (ساعت را بنویس.)



۷۳-

۷۴-



مهارت درک و فهم

ن. ضَعِ فِي الْفَرَاقَاتِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ عَلَى حَسَبِ الْمَعْنَى: «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ». (برحسب معنی در جاهای خالی کلمه مناسب را قرار بده.) «یک کلمه اضافه است.»

الْمُسَافِرَةُ / الشَّمْسُ / الدَّرَزُ / الشَّرَرَةُ / الْفَاعَةُ

- ۷۵- مَكَانَةٌ يَنْتَظِرُ فِيهَا مُسَافِرُ الْمَطَارِ.
 ۷۶- مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ.
 ۷۷- قِطْعَةً مِنَ النَّارِ.
 ۷۸- ذَهَابٌ إِلَى مَكَانٍ بِالسَّيَّارَةِ أَوْ الْحَافِلَةِ أَوْ الطَّائِرَةِ.

س. اِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (متن را بخوان سپس به سؤالات جواب بده.)

۷۹- ذَهَبَ عَلِيٌّ يَوْمًا مِنْ قَرِيبَتِهِ إِلَى الْغَابَةِ وَ بَعْدَ مَدَّةٍ رَأَى الْغُيُومَ فِي السَّمَاءِ بِلَوْنٍ أَسْوَدَ ثُمَّ أَصْبَحَ الْجَوُّ بَارِدًا وَ هُوَ شَعَرَ بِالْبُرْدِ وَ بَعْدَ قَلِيلٍ نَزَلَ الْمَطَرُ، فَجَلَسَ عَلَيٌّ تَحْتَ الشَّجَرَةِ وَ بَعْدَ قَطْعِ الْمَطَرِ رَجَعَ إِلَى الْقَرْيَةِ.

- (۱) مَا رَأَى عَلِيٌّ فِي السَّمَاءِ؟
 (۲) إِلَى أَيْنَ ذَهَبَ عَلِيٌّ؟
 (۳) هَلْ شَعَرَ عَلِيٌّ بِالْحَرِّ الشَّدِيدِ؟
 (۴) مَتَى رَجَعَ عَلِيٌّ إِلَى الْقَرْيَةِ؟

ع. اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ: (جواب صحیح را انتخاب کن.)

- ۸۰- مَنْ يُخْرِجُ الثَّمَرَةَ مِنَ الشَّجَرَةِ؟
 ۸۱- مَاذَا رَأَيْتَ فِي اللَّيْلِ وَسَطَ السَّمَاءِ؟
 ۸۲- مَتَى صَارَتْ أَوْرَاقُ الشَّجَرَةِ ذَاتَ اللَّوْنِ الْأَخْضَرِ؟
 ۸۳- مِمَّا يَنْزِلُ الْمَطَرُ؟
 (۱) الْمَاءُ وَ الشَّمْسُ
 (۲) اللَّهُ
 (۱) الشَّمْسُ
 (۲) الْقَمَرُ
 (۱) فَصْلُ الْخَرِيفِ
 (۲) فَصْلُ الرَّبِيعِ
 (۱) الْعِيمُ
 (۲) الْجَذْوَةُ

مهارت مکالمه

ف. اُكْتُبْ جَوَابًا مُنَاسِبًا عَنِ السُّؤَالَاتِ: (درباره سؤالات جوابی مناسب را بنویس.)

- ۸۴- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
 ۸۵- مَتَى مَوْعِدُ أَذَانِ الصُّبْحِ؟
 ۸۶- مَنْ ذَلِكَ الْوَلَدُ؟
 ۸۷- مَاذَا تَقْرَأُ؟
 ۸۸- كَمِ السَّاعَةُ الْآنَ؟
 ۸۹- مَا هُوَ لَوْنُ الْمَوْزِ؟
 ۹۰- بِمِ تَسَافِرُ إِلَى مَشْهَدٍ؟
 ۹۱- كَمِ قَلَمًا فِي حَقِيبَتِكَ؟

ص. رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اُكْتُبْ سَوْالًا وَ جَوَابًا صَحِيحًا: (کلمات را مرتب کن و سؤال و جواب صحیحی را بنویس.)

- ۹۲- مَا / إِسْمِي / اِسْمُكَ / حَسِينُ / الْكَرِيمُ / . / ؟
 ۹۳- مَعَ الْأَسْفِ / هَلْ / إِيْرَانْ / لَا / إِلَى / سَافَرْتُ / . / ؟ / ؟

اول

پاسخ سؤالات امتحانی درس

۱. فروزان
 ۲. دارای - تر و تازه
 ۳. کامل
 ۴. شد
 ۵. آن
 ۶. پیراهن زنانه
 ۷. أُنْحَاث: پُژوهش‌ها
 ۸. أَصْدِقَاء: دوستان
 ۹. عُصْن: شاخه
 ۱۰. ناصِر: یاری کننده
 ۱۱. جَذْوَة = شَرَرَة (پاره آتش، اخگر)
 ۱۲. رَاسِب ≠ ناجح (مردود ≠ موفق)
 ۱۳. غَیْم = سحاب (ابر)
 ۱۴. ثَمَر = فاکهه (میوه)
 ۱۵. رَقَدَ = نام (خوابید)
 ۱۶. بَيْع ≠ شراء (فروش ≠ خرید)
 ۱۷. قَبِيح ≠ جَمِيل (زشت ≠ زیبا)
 ۱۸. مَمْنُوع ≠ مَسْمُوح (غیرمجاز ≠ مجاز)
 ۱۹. «الْجَذْوَة: پاره آتش» سایر موارد روینده هستند: (الشَّجَر: درخت -
 الْحَبَّة: دانه - الْعُصْن: شاخه)
 ۲۰. «الْجِدَار: دیوار» سایر موارد اجرام آسمانی هستند: (الْتَّجْم: ستاره -
 الشَّمْس: خورشید - الْقَمَر: ماه)
 ۲۱. «الْتَّصِرَة: تر و تازه» سایر موارد اجسام هستند: (الْحَجَر: سنگ - الدَّر:
 مروارید - الرِّجَاجَة: شیشه)
 ۲۲. خداوند باران را از ابر نازل کرد (فرستاد).
 ۲۳. دانه از زمین روید سپس درختی ظاهر (نمایان) شد.



۶۵. ذَٰلِكَ التَّلْمِیْذُ: آن دانش آموز
۶۶. تِلْكَ الْبَطَّارِیَّةُ: آن باتری
۶۷. هَٰذَا الدَّلِیْلان: این دو راهنما
۶۸. هَاتَانِ الْفَائِزَتَانِ: این برندگان، این دو برنده
۶۹. هَؤُلَاءِ مُعَلِّمَاتٌ: این ها معلم هستند.
۷۰. امر - بخواه
۷۱. مضارع منفی (نفی) - نمی خواهند
۷۲. ماضی منفی (نفی) - نخواستید
۷۳. مستقبل - خواهیم خواست
۷۴. معادل ماضی استمراری - می خواستند
۷۵. نهی - نخواه
۷۶. ۷۷. ۷۸. ۷۹. ۸۰. ۸۱. ۸۲. ۸۳. ۸۴. ۸۵. ۸۶. ۸۷. ۸۸. ۸۹. ۹۰. ۹۱. ۹۲. ۹۳.
۷۳. الرَّابِعَةُ وَ النِّصْفُ.
۷۴. الْحَادِیَّةُ عَشْرَةٌ تَمَامًا.
۷۵. الْقَاعَةُ (سالن، مکانی است که مسافر فرودگاه در آن منتظر می ماند).
۷۶. الْأَذْرَرُ (مرواریدها، از سنگ های زیبای گران هستند).
۷۷. الشَّرَرَةُ (اخگر، تکه های از آتش است).
۷۸. الْمُسَافَرَةُ (مسافرت، رفتن به جایی با خودرو یا اتوبوس یا هواپیما است).
۷۹. روزی علی از روستایش به جنگل رفت و بعد از مدتی ابرها را در آسمان به رنگ سیاه دید، سپس هوا سرد شد و او احساس سرما کرد و بعد از اندکی، باران بارید پس علی زیر درخت نشست و بعد از قطع شدن باران به روستا برگشت.
۸۰. (۱) علی در آسمان چه چیزی دید؟ رَأَى الْغُیُومَ فِي السَّمَاءِ بِلَوْنٍ أَسْوَدَ.
(۲) علی به کجا رفت؟ ذَهَبَ إِلَى الْغَايَةِ.
(۳) آیا علی گرمای شدید احساس کرد؟ لَا، شَعَرَ بِالْبَرْدِ.
(۴) چه وقت علی به روستا برگشت؟ رَجَعَ عَلِيٌّ بَعْدَ قَطْعِ الْمَطَرِ.
۸۱. چه کسی میوه را از درخت بیرون می آورد؟ (۲: اللَّهُ)
۸۲. در شب وسط آسمان چه دیدی؟ (۲: الْقَمَرُ)
۸۳. چه وقت برگ های درخت دارای رنگ سبز شد؟ (۲: فَصَلَ الرَّبِيعِ)
۸۴. از چه چیزی باران می بارد؟ (۱: الْغَيْمِ)
۸۵. تو اهل کجا هستی؟ أَنَا مِنْ طَهْرَانَ. (أَنَا طَهْرَانِيَّ)
۸۶. اذان صبح چه وقت است؟ الرَّابِعَةُ وَ النِّصْفُ (چهار و نیم)
۸۷. آن پسر کیست؟ صَدِيقِي. (دوستم است). / حَامِدٌ. (حامد است).
۸۸. چه چیزی می خوانی؟ أَقْرَأُ الْكِتَابَ. (کتاب می خوانم). / الْمَجَلَّةُ. (مَجَلَّةً) /
الْصَّحِيفَةُ الرَّيَاضِيَّةُ. (روزنامه ورزشی)
۸۹. الان ساعت چند است؟ الْعَاشِرَةُ وَ الرَّبِيعُ (ده و ربع)
«دانش آموز عزیز، شما می توانید هر ساعت دیگری را بنویسید.»
۹۰. رنگ موز چیست؟ لَوْنُهُ أَصْفَرُ (الْأَصْفَرُ (زرد)).
۹۱. با چه چیزی به مشهد مسافرت می کنی؟ بِالْحَافِلَةِ (با اتوبوس) - بِالسَّيَّارَةِ (با خودرو).
۹۲. چند قلم در کیف است؟ ثَلَاثَةٌ
۹۳. مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اِسْمِي حُسَيْنٌ. (اسم شریف چیست؟ اسمم حسین است).
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ؟ لَا، مَعَ الْأَسْف. (آیا به ایران سفر کردی؟ نه، متأسفانه).

۹۴. خداوند خورشید را در آسمان، برای روشنایی آفرید.
۹۵. ستارگان را در شب همانند مرواریدها دیدم.
۹۶. خداوند همان کسی است که نعمت هایش برای همه موجودات فراوان است.
۹۷. جست و جو کن و بگو چه کسی از درخت، میوه را درمی آورد؟
۹۸. به خورشید در وسط آسمان نگاه نکنید زیرا نور شدید آن به چشم های شما ضرر می رساند.
۹۹. شاخه های درختی را که میوه ای ندارد، قطع می کنم.
۱۰۰. ما باید به خاطر نعمت های زیاد در طبیعت شکرگزار باشیم.
۱۰۱. خورشید در تابستان حرارتش در هر جایی پخش (پراکنده) است.
۱۰۲. به شب نگاه کن پس چه کسی ماه را در آن پدید آورد؟
۱۰۳. خداوند شب را با ستارگانی مانند مرواریدهای پخش شده (پراکنده) زینت داد.
۱۰۴. ماه سیاره ای است که دور (اطراف) زمین می چرخد؛ روشنایی اش از خورشید است.
۱۰۵. و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن باران را فرو فرستاد؟
۱۰۶. این کیست (مَنْ ذَا) - رِیزَان (مُنْهَمِرَةٌ)
۱۰۷. درس ها (الْأَدْرُسُ؛ جمع مکسر) - می نوشتند (كَانَ ... يَكْتُبُونَ؛ ماضی استمراری)
۱۰۸. ستایش (الْحَمْدُ) - آسمان ها (السَّمَاوَاتُ) - آفرید (خَلَقَ؛ فعل ماضی) -
تاریکی ها (الظُّلُمَاتُ) - قرار داد، بنهاد (جَعَلَ؛ فعل ماضی)
۱۰۹. می اندیشند (يَتَفَكَّرُونَ؛ فعل مضارع) - ما (ضمیر متصل «نا») -
نیافریدی (مَا خَلَقْتَ؛ ماضی منفی)
۱۱۰. اَبْر (الْغَيْمُ) - از آن (مِنَهُ) - نازل می شود، می بارد (يَنْزِلُ؛ فعل مضارع)
۱۱۱. (۲) دانش آموز درس هایش را می نوشت.
(كَانَتْ ... تَكْتُبُ؛ ماضی استمراری ترجمه می شود).
۱۱۲. (۲) با خانواده ام به جنگل رفتیم و گفتند: درختان را قطع نکنید.
(ذَهَبْنَا؛ رفتیم - لَا تَقْطَعُوا؛ فعل مضارع نهی است).
۱۱۳. (۱) پدید آورد (أَوْجَدَ؛ فعل ماضی)
۱۱۴. (۲) نگاه می کنم (أَنْظُرُ؛ مضارع اول شخص مفرد) - (۱) می گویم (أَقُولُ؛ مضارع اول شخص مفرد)
۱۱۵. (۱) برگ های (أوراق؛ جمع مکسر) - زینت می دهد (يَزِينُ؛ مضارع)
۱۱۶. (۲) روشنایی (ضياء) - (۲) پخش شده (مُنْتَشِرَةٌ)
۱۱۷. (۲) کوتاه (قصير) - (۱) پژوهش کن (ابْحَثْ؛ فعل امر مفرد) -
(۲) کمک (مُسْتَعِينًا) - (۲) ترجمه کن (تَرْجِمْ؛ فعل امر مفرد)
۱۱۸. «هُم» مناسب فعل «يَدُورُونَ» است.
۱۱۹. فعلی «تَقْرَؤُونَ» با ضمیر «أنتم» تناسب دارد.
۱۲۰. «أَكْتُبَا»؛ با توجه به دو اسم که مورد خطاب قرار گرفته اند و هم چنین ضمیر متصل «كما» آمده است.
۱۲۱. «لا»ی نهی نون اعراب را از آخر فعل مضارع حذف می کند: «لا تَقْرَبَا»
۱۲۲. فعل در جمله بعد از اسم آمده است، بنابراین از «التلْمِیْذات» پیروی می کند: يَصْرَحْنَ
۱۲۳. فصل چهارم در سال همان فصل «الشتاء: زمستان» است.
۱۲۴. «الغشاء: شام» را در شب می خوریم.
۱۲۵. «هذه» مناسب اسم مؤنث «مَجَلَّةً» است.
۱۲۶. فَعَال - مَفْعُول - غ ف ر
۱۲۷. فَعُول - فاعِل - ش ك ر
۱۲۸. مِفْعَال - فَعَال - ص ب ح
۱۲۹. فَعِيل - مَفْعَل - ع ل م